

اصفهان، تصویر بهشت

گفتگو با جمشید ارجمند به مناسبت انتشارات کتاب

(اصفهان، تصویر بهشت)

● اصفهان تصویر بهشت

● هانری استیرلن

● (مقدمه به قلم هانری کُربن)

● ترجمه جمشید ارجمند

● چاپ اول - ۱۳۷۷

● نشر و پژوهش فرزانه روز

● ۲۰۸ صفحه - قطع رحلی

۳۶۳

— اصفهان برای ما یک سرمایه بی نظیر معنوی است اما به نظر شما برای میراث فرهنگی و هنری جهان

واجد چه ارزشهایی است؟

ارجمند: اصفهان شهری کم نظیر و حتی شاید بتوان گفت بی نظیر است. چرا؟ از نظر کمیت و کیفیت آثار معماری تاریخی. در کمتر شهری می توانیم مجموعه‌ای به این عظمت از بناهای زیبا و پراهمیت تاریخی را سراغ بگیریم. در یک نگاه اولیه، بناهای اصفهان را به سه دسته بزرگ تقسیم می‌کنیم، مهمتر و بیشتر از همه بناهای مذهبی است، شامل مسجدها و مدرسه‌ها و بقعه‌ها و مزارات و کلیساها؛ دسته دوم بناهای مسکونی سلطنتی، مثل چهلستون و هشت بهشت و عالی قاپو و دسته سوم بناهای عمومی شهری مثل بازار و خیابان و پل و میدان. شمردن و به دست آوردن رقمی از این آثار کار آسانی نیست. اما مهمتر از تعداد زیاد این آثار و جنبه زیبایی شناختی آنها همچنانکه شما اشاره کردید، عنصر معنوی موجود در آنهاست. البته این عنصر معنوی را بخصوص باید در بناهای مذهبی یعنی در مسجدها و بقعه‌ها جستجو کرد. در این بناها، از سازه اصلی گرفته تا تزئینات آنها، عنصر عشق و اعتقاد و تمایل به ابراز و اظهار آن به چشم می‌خورد. البته با نگاه توریستی در روزهای تعطیل و سفرهای تفریحی نمی‌شود این عنصر را به آسانی کشف کرد. با چنین نگاهی فقط زیبایی و عظمت و تناسب رنگها دیده می‌شود. دیگر، برای مثال، علت انتخاب رنگ آبی برای کاشیها، یا دلیل احداث حوض در

میان حیاط مسجد و در برابر ایوانها کشف نمی‌شود. حوض ظاهراً برای زیبایی یا وضو گرفتن است. اما در یک کاوش عمیق‌تر معلوم می‌شود که حوض آب، برای انعکاس تصویر نمای ایوان و طاقگاههاست، یعنی برای ایجاد بعد فضایی و ارتباط با جهات عمودی. ارتفاع ایوان چشم را به سوی آسمان می‌کشد و بیننده را با عالم بالا مرتبط می‌کند. اما امتداد این جهت رو به پایین فقط از طریق تصویر ایوان در حوض دیده می‌شود. و آب حوض در اینجا نقش آینه‌ای مثالی را ایفا می‌کند. این گونه ظرائف معنوی فقط در معماری اسلامی ایرانی دیده می‌شود که نمونه‌های اعلای آن هم به فراوانی در اصفهان موجود است. این علت‌ها که فقط به گوشه‌های مختصری از آن در اینجا می‌شود اشاره کرد، موجب شده که اصفهان در میراث جهانی فرهنگی و هنر، دارای ارزش یگانه‌ای باشد.

— بناهای مذهبی اصفهان محصول چه دوره‌های تاریخی است و مهمترین ویژگیهای هنری آنها — از

نظر معماری چیست؟

ارجمند: شروع ایجاد بناهای مذهبی در اصفهان از زمان سلجوقیان است که اصفهان برای اولین بار به پایتختی انتخاب شد. از این دوره که از نیمه قرن پنجم هجری آغاز می‌شود بناهای زیادی از مناره و ایوان و محراب و تزیینات آنها در اصفهان وجود دارد که مجموعه بسیار باارزشی از آن در مسجد جمعه ایجاد شده. در قرن ششم هم بناهای زیادی ساخته شده. بعد به دوره مغول می‌رسیم که شاهان مغول، اندکی بعد از ویرانگریهای اجداد خود، تسلیم عظمت و عمق فرهنگ اسلامی - ایرانی می‌شوند و دست به سازندگیهای مهمی می‌زنند. محراب اولجایتو در مسجد جمعه، شاهکار بی‌نظیر و مسلم‌گچبری این دوره است و در دنیا هم‌تا ندارد. دوره سلجوقی چه از نظر سازه و چه بخصوص از نظر تزیینات که برپایه آجر و گچ قرار دارد از دوره‌های دیگر مشخص است. اما دوره درخشان هنری اصفهان، دوره صفوی است. شاهان صفوی و بخصوص شاه عباس، با اندیشه‌ای پیشرو در کار ایجاد بناهای مذهبی و عمومی دست به کار تحولی بزرگ در اصفهان شدند. سهم اصلی را در اینجا به عنوان پیشگام، باید به شاه‌عباس داد که اصفهان را براساس شهرسازی نوین و الزامات زندگی پایتختی، زیورور کرد. فکر عمران و زیباسازی حتی به شاه بی‌کفایتی مثل شاه‌سلطان حسین هم به میراث رسید. مدرسه زیبای چهارباغ از آثار دوره اوست. بعد از صفویه، دیگر کار مهمی در اصفهان نشده، مختصری در دوره قاجار و تعمیراتی هم در دوره پهلوی. ظاهراً علتش هم همواره مسئله پایتخت بودن یا نبودن اصفهان بوده است. به عنوان ویژگی چشمگیر این دوره‌ها می‌توان در دوره سلجوقی از هنر مناره‌سازی، ایوانهای بزرگ و بلند و گنبد‌های کم‌خیز در سازه‌سازی و استفاده هنرمندانه از آجر هم در سازه و هم بخصوص در تزیینات یاد کرد. کاشیکاری در دوره سلجوقی معمول نبود، جز

مجموعه هنر

دبیر مجموعه: داریوش شایگان

اصفهان

تصویر بهشت

هانری استیرلن (مقدمه به فلم هانری کربن)

ترجمه جمشید ارجمند



ایران ۱۳۷۷

۳۶۵

خیلی به ندرت، به صورت مصالح اصلی در نقش کلمات و عبارات مقدس اسلامی و قرآنی به عنوان شعارهای مذهبی، بر بدنه مناره‌ها یا گلوبی گنبدیها. در هنر تزیینات نیز استفاده از آجر بی‌رنگ در دوره سلجوقی غلبه داشته شیوه شگفت‌آور و بی‌نظیر کوفی بناایی یا معقلی که نمونه‌های آن در مسجد جمعه و بخصوص در کتیبه پیر بکران وجود دارد، اوج آزادی هنرمند در خلق شکل‌های بسیار متنوع برای حروف را نشان می‌دهد. آن هم آنقدر پیشرو که تصورش برای قرن ششم هجری تعجب‌آور است. این خط تابع فرمها و مقتضیات تزیین با آجر است. در دوره صفوی سازه اندکی تلطیف شده اما بخصوص تزیین کاشیکاری در انواع مختلف با رنگ‌های شگفت‌انگیز و پایدار ویژگی این دوره است. به این مناسبت باید گفت که مسجد جمعه اصفهان، به عنوان مجموعه‌ای از شاهکارهای معماری مذهبی و ایمانی از سده‌های نخست اسلامی تا دوره صفویه اهمیتی چنان عظیم دارد که می‌توان آن را با مجموعه تخت‌جمشید مقایسه کرد.

— فلسفه زندگی شهری در اصفهان، به عنوان یک نوع نگاه به زندگی و یک جهان‌بینی که در کالبد این

شهر تبلور یافته، چگونه قابل ارزیابی است؟

ارجمند: به جرئت می‌شود گفت که در تاریخ ایران و شاید مشرق‌زمین، نخستین بار در دوره شاه‌عباس است که معماری شهرسازی در پیروی از شیوه زندگی و نیازهای روزمره مردم و نوع زندگی شهری به وجود می‌آید. شاه‌عباس با تخریب بخش مهمی از مرکز قدیم شهر اصفهان،

بافتی را پی انداخت که پاسخگوی ضرورت‌های زندگی شهری جدید به عنوان پایتخت بود، یعنی ایجاد یک میدان عظیم مرکزی (میدان نقش جهان)، بازار به عنوان شاه‌رگ اقتصادی که سرش از یک مؤسسه این میدان آغاز می‌شود، یک مسجد بزرگ عمومی در گوشه دیگر میدان، یک مسجد اختصاصی (شیخ لطف‌الله)، کاخ سلطنتی چند طبقه‌ای با یک ایوان زیبا رو به میدان برای تماشای مسابقات چوگان در میدان... شاه به این ترتیب در مرکز و محور زندگی پایتخت به سر می‌برد، مردم در بازار سرپوشیده، در پناه از آفتاب و گرمای تابستان و سوز و سرمای زمستان کسب می‌کردند، با فاصله‌ای کوتاه به مسجد می‌رفتند، در سراهای متعدد بازار، کالاهای خود را انبار می‌کردند یا از عمده‌فروشها دریافت می‌کردند. جز این خیابانی با چهار باند، به شکل گردشگاهی با صفا و آسوده برای پیاده‌ها و سواره‌ها به نام چهارباغ ساخته شد که در دو سوی آن عمارت‌های شاهی برپا شده بود... این شیوه شهرسازی به وضوح آکنده از پویایی و آینده‌نگری و اندیشه توسعه و ترقی شهری و مردمی و اقتصادی است. نویسنده کتاب بر آن است که نام «چهارباغ» برگرفته از مفهومی قرآنی برای اشاره به بهشت است.

— غریبها چرا به اصفهان علاقه‌مندند و مهمترین تحقیقات و کتابهایی که در این زمینه وجود دارد کدام

است؟

۳۶۶

ارجمند: به دلیل همه آنچه عرض کردم غریبها، یعنی بخصوص خاورشناسها و حادثه‌جویان آنها که معمولاً از حس زیادوستی کلاسیکی برخوردار بودند به اصفهان علاقه‌مند شدند. بعضی از این افراد دارای مأموریت‌های سیاسی هم بودند (معمولاً مأموران سیاسی را از بین اشخاصی انتخاب می‌کردند که علاقه و آشنایی فرهنگی با محل مأموریت داشته باشند). نگاه تیز و شکافته این خاورشناسان در سفرنامه‌هایشان موجب شناساندن اصفهان به جهانیان از قدیم‌الایام شد. و از این نظر برگردن اصفهان حق دارند. در میان این اشخاص می‌توان به تاورنیه (ژان - باتیست) که در قرن هفدهم، عصر صفویان به ایران سفر کرد و «سفرنامه‌ای نوشت، شاردن (ژان) نیز در همان عصر، دوبار به ایران سفر کرد و سفرنامه‌ای با عنوان «سفر به ایران و هند شرقی» نوشت، پیرلوتی نویسنده معروف فرانسوی در قرن نوزدهم، دوره قاجار به اصفهان سفر کرد و کتابش «به سوی اصفهان» نام دارد. آثار تاورنیه و شاردن ارزش ارجاعی زیادی در مورد دوران صفویان دارد. اما مهمترین و بزرگترین اثر تحقیقی هنری در مورد ایران که طبعاً به آثار معماری اصفهان هم پرداخته، «تحقیقی درباره هنر ایران» اثر ارجمند و جاودانی آرتور پوپ است. که ایرانشناسی بی‌بدیل بود و آنقدر شیفته و عاشق ایران بود که طبق وصیتش در اصفهان کتار زاینده‌رود به خاک سپرده شد. پوپ چند سالی پیش از انقلاب درگذشت.

— فلسفه انتخاب رنگها در بناهای اصفهان چیست؟

ارجمند: این یک بحث مهم و پردامنه است. می‌شود چنین استنباط کرد که رنگ غالب در تزیینات کاشیکاری که روکار بناها را تشکیل می‌دهد آبی است. البته از همه رنگهای دیگر هم استفاده شده. یکی از معروفترین انواع کاشی، هفت رنگ نام دارد. اما زمینه اصلی آبی است. به احتمال زیاد، گذشته از رعایت هماهنگیها و «تضادهای» رنگها، مسئله ایجاد وحدت و همسانی بین نمای بناهای مذهبی و توجه به آسمان که مظهر ملکوت است در این مورد دخالت داشته است. البته گنبدهایی در اصفهان داریم که آبی نیست، گنبد مسجد شیخ لطف‌الله به رنگ نخودی یا بژ است. ترکیب یا بهتر بگویم تضاد تحسین‌انگیز آبی فیروزه‌ای کاشیها بر زمینه خاکی پشت بامهای شهر یا بیابان از دور، هم جایگاه مهمی دارد.

— تفاوت یک شهر اسلامی نمونه‌وار مثل اصفهان با یک شهر غربی مثل ونیز چیست؟

ارجمند: اینها مباحثی بسیار مفصل و عمیق است که فقط می‌شود در اینجا به آنها اشاره بسیار کوتاهی کرد: شهرسازی ایرانی اسلامی تابع نوع زندگی، اعتقادات، فرهنگ و روحیه مردم است، همچنانکه شهرسازی غربی هم همین ملاحظات را دنبال می‌کند. به دلیل این عوامل، در یک شهر اسلامی کهن مثل اصفهان (البته در بافت کهن آن، نه بافت کنونی) دیوار حیاطها و باغها بسیار بلند بوده و از بیرون هیچ چیز گویایی به چشم نمی‌خورده تزیینات و آرایشها همه در پشت دیوارها و در داخل خانه‌ها وجود داشته. خانه‌ها به هم متصل بوده‌اند، به طوری که بامها در پیوند با یکدیگر یک سطح فوقانی و مرتبط، برای زندگی بوده است، برخلاف شهرهای غربی که ساختمانها در بلوکهای مجزا از یکدیگر، و جدا شده به وسیله کوچه‌ها و خیابانها ساخته می‌شود. (در این مورد، در کتاب «اصفهان تصویر بهشت» توضیحات کافی توأم با طرح و نقشه مقطع داده شده است) و روی هم رفته بافت شهری، بافتی درونی یا درونگرا بوده، انسان حتی در زندگی عمومی شهری هم همیشه در «درون» یک فضا قرار داشته، مثل بازار سرپوشیده، دالان و رواق مسجدها و کاروانسراها، و همیشه از یک فضای درونی به فضای درونی دیگر راه داشته مثلاً از بازار به مسجد و کلاً اگر نقشه مقطع شهری را تماشا کنیم، گسست و بریدگی و فضای خالی یا گود نمی‌بینیم. ویژگی مهم دیگر اصفهان، سرسبزی چشمگیر آن بوده. در بیشتر سفرنامه‌ها نوشته شده که اصفهان از دور مثل یک جنگل است. بیشتر خانه‌ها دارای باغچه یا باغ بوده و شبکه پیچیده نهرهای منشعب از زاینده‌رود، این باغها را آبیاری می‌کرده.

— درباره کتاب اصفهان و ویژگیها و ارزشهای آن، به عنوان مترجم اثر، توضیح بفرمایید.

ارجمند: کتاب «اصفهان، تصویر بهشت» که به قطع بزرگ با تصاویر گویا و زیبا و با چاپی بسیار نفیس چاپ شده، از متن اصلی فرانسوی ترجمه شده. نویسنده آن «هانری استیرلن»، آرشیوتکتی هنرشناس و اهل کلام و فلسفه است. نوشته او توصیف توریستی شهر اصفهان

Henri STIERLIN

ISPAHAN

Image du Paradis

Préface
par
Henry CORBIN

La Bibliothèque des Arts
Lausanne - Paris

۳۶۸

نیست، بلکه با نگاهی بسیار عمیق و تازه، معماری مذهبی مسجدهای اصفهان را نگریسته و این معماری و تزیینات آن را بر مبنای اعتقادات معنوی و مذهبی معماران و کاشیکاران هنرمند عصر صفوی تحلیل کرده و به این نتیجه رسیده که سبک مسجدسازی ایرانی - اسلامی از جزئیات سازه‌ها گرفته تا کاشیکاری تزیینی در پی ابلاغ پیام ایمان هنرمندان به خداوند و به اصول و مبانی تشیع است و معماران و کاشیکاران با سلطه و دانشی حیرت‌آور، زیبایی و استحکام را با نیازهای عینی و تراوشات ایمانی و مذهبی درهم آمیخته‌اند و مجموعه‌ای رمزآمیز از معنویتی عمیق و آگاهی‌هایی فنی و علمی به وجود آورده‌اند و این سبک مسلط و حاکم، به اصفهان چهره‌ای زیبا و روحی لطیف و معنوی بخشیده، تا آنجا که به قول هانری کرین این شهر را واجد خصوصیات فلسفی «مدینه تمثیلی» کرده است، یعنی شهری آسمانی که بیش از آن‌که زمینی باشد به عالم بالا تعلق دارد و بر اساس مبانی و تعبیرات قرآنی تصویر بهشت است بر روی زمین. هانری کرین، متفکر نامدار و فیلسوف فقید فرانسوی که می‌توان او را به حق شیعه‌شناس بزرگ غرب نامید و آثاری پراهمیت در شناساندن تشیع و بخصوص فلسفه اشراق ایرانی به دنیای غرب دارد، مقدمه‌ای فاضلانه در معرفی ارزشهای عمیق کتاب «اصفهان تصویر بهشت» نوشته که خود این مقدمه خواننده را به درک فلسفه حاکم بر معماری شهر و ارتباط آن با روح معنوی اسلام ایرانی بسیار یاری می‌دهد. کرین که حقوق بسیار بر گردن حکمت و فلسفه اشراق ایرانی دارد و

بارها به ایران آمده و آثار مهمش نیز به فارسی ترجمه شده است، با نوشتن همین مقدمه برگردن شهر اصفهان نیز حقوقی دارد. می‌توانم بگویم با خواندن کتاب اصفهان نگارشی تازه و عمیق در خواننده ایجاد می‌شود، به طوری که از این پس مسجد جمعه یا مسجد امام خمینی (ره) (شاه سابق) اصفهان را با نگاهی تحلیلی‌گر و نه جهانگردانه خواهد دید؛ از علت احداث حیاط مستطیل یا چهارگوش، حوض آب، کاشیکاری سطوح داخلی، ایوانهای چهارگانه و مانند آنها در مسجدهای اصفهان آگاه خواهد شد و جز اینها؛ هانری کرین هم ستایشگرانه رابطه معماری مسجد را با فلسفه اشراق ایرانی بازگو می‌کند.

کتاب «اصفهان تصویر بهشت» ۲۰۰ صفحه بزرگ دارد، عکسهای آن به وسیله خود نویسنده فاضل آن و با هدف روشنگری متن پرداخته شده و از این جهت غالباً زاویه‌های بی‌نظیری دارد، و شرح عکسها هم فقط نه برای توصیف عکسها، که در جهت ارائه اطلاعاتی تازه درباره فن و فلسفه موضوع مورد عکس تنظیم شده و نمایه عمومی کتاب خواننده را در یافتن موضوعات کمک می‌کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی